فاطمه کوکب دری بین نساء اهل الدنیا

فاطمه (س) اختری تابناک در میان زنان دنیاست.

ویژه‌برنامه‌های سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) در حرم رضوی

خبر امروز

همزمان با فرا رسیدن ایام سوگواری سالروز شهادت حضرت فاطمه زهـرا(س) ویژه‌برنامه‌های عـزاداری در حرم مطهر امـام هشـتم(ع) از امـروز پس از نماز مغرب و عشا با سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی قمی، مدیحه‌سرایی احمد واعظی و شعرخوانی علیرضا خاکساری در رواق امام خمینی(ره) آغاز شده و سپس این مراسم به عطر حضور پیکرهای مطهر شهدای گمنام و مدافع حرم عطرآگین می‌شود.

فردا (۱۶ دی) نیز مراسم با سخنرانی آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی از ساعت ۹:۳۰ در رواق امام خمینی(ره) آغاز می‌شود. در این مراسم امیر عارف مرثیه‌خوانی خواهد کرد و سیدحسین سیدی با خوانش اشعار آیینی و علی برادران با قرائت زیارت حضرت زهرا(س)، دیگر ذاکران محفل خواهند بود.

همچنین در سالروز شهادت بانوی دو عالم، اجتماع عظیم عزاداران فاطمی در میدان شهدای مشهد مقدس برگزار خواهد شد و عـزاداران با تشییع پیکر شهدای گمنام و مدافع حرم به سمت حرم مطهر رضـوی در رواق امام خمینی(ره) گرد هم خواهند آمد و در مراسم عزاداری شرکت می‌کنند.

شب شعر

«عقیق» با عطر یاد «سردار دل‌ها»

همزمان با دومین سالروز شهادت شهید حاج‌قاسم سلیمانی آیین اختتامیه جشنواره ادبی-دانشجویی و شب شعر «عقیق» با حضور شاعران جوان کشور و دانشجویان دانشگاه‌های مختلف به میزبانی دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع) در سالن همایش‌های شهید سلیمانی این دانشگاه برگزار شد. در دومین شب شعر عقیق، شاعران برجسته و جوان کشور از جمله دکتر محمدمهدی سیار، دکتر یوسف بینا، حجت‌الاسلام سیدحسین سیدی، رضا رحیمی عنبران، راضیه رجایی، مهدی آخرتی، الهه بیات، زهرا محدثی خراسانی، فاطمه کامیاب، هدیه ارجمند و... حضور داشتند و در جمع دانشجویان با موضوع شهید سلیمانی شعرخوانی کردند. این جشنواره در دو بخش «شعر» و «داستان کوتاه» ویژه دانشجویان سراسر کشور برگزار شد.

۴۳۲ سال از شهادت عبدالله شوشتری، مدرس نامدار آستان قدس رضوی گذشت

خادم شهیدی که پیکرش را سوزاندند

محمد حسین نیک‌بخت در هجوم ازبکان به شهر مشهد در سال ۹۶۸ خورشیدی، شیخ عبدالله شوشتری از جمله مدرسان نام‌آور آستان قدس رضوی به اسارت درآمد. داستان اسارت و شهادت مظلومانه این خادم رضوی، یکی از تلخ‌ترین داستان‌های مرتبط با هجوم ازبکان به مشهد است.

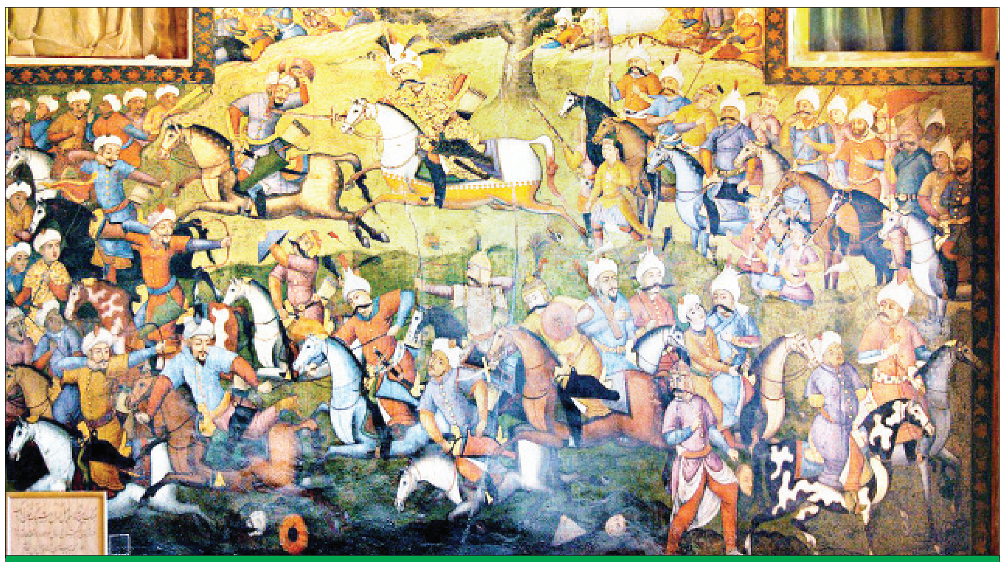

گزیده

شیخ که در مرزبانی از حریم معارف اهل بیت(ع) همواره حاضر و پا در رکاب بود، با علمای دیگر مذاهب اسلامی مکاتبه و مناظره داشت و با کمال احترام و ادب، به نقد دیدگاه‌های آن‌ها و دفاع از معارف مذهب اهل بیت(ع) می‌پرداخت.

■ عالمِ خادم

شیخ عبدالله شوشتری از علمای نامدار و برجسته عصر صفوی بود. درباره سال ولادت او، اطلاعات دقیقی در دست نیست. اسکندربیک منشی در کتاب «عالم‌آرای عباسی» وی را زاده شوشتر می‌داند. شیخ در جوانی و برای فراگیری علوم دینی، بار سفر بست و پس از به جا آوردن مناسک حج و توقفی در مکه و مدینه، راهی جبل‌عامل شد که در آن زمان، از مراکز مهم آموزش معارف شیعه محسوب می‌شد. ظاهراً شیخِ شهید، مدت زیادی را در جبل‌عامل توقف کرد و بعدها به پیشنهاد استادانش و برای رونق بخشیدن به حوزه‌های علمیه ایران، راهی زادگاه خود شد تا به خواست شاه عباس یکم به مشهد هجرت کند. شیخ عبدالله شوشتری افزون بر تدریس و اشتغالات دیگر مذهبی، خادم آستان قدس رضوی هم بود؛ هر چند که با داشتن سِمَت مدرسی آستانه، او را در زمره خادمان حساب می‌کردند، اما وی به این مقدار کفایت نمی‌کرد؛ بسیار پیش می آمد که جاروبه‌دست می‌گرفت و به نظافت صحن و سرای حرم مطهر می‌پرداخت. شیخ هر روز پس از نماز صبح، در دارالسیاده حرم رضوی به سخنرانی‌هایی با موضوعات اخلاقی می‌پرداخت و منبرهای او طرفداران بسیاری داشت. در زمان حضور در مشهد بود که دست به تألیف کتاب‌های متعددی زد. علامه طهرانی در کتاب «طبقات اعلام شیعه» به یکی از آثار شیخ عبدالله شوشتری به نام «اربعین در فضائل امیرالمؤمنین(ع)» اشاره می‌کند. شیخ که در مرزبانی از حریم معارف اهل بیت(ع) همواره حاضر و پا در رکاب بود، با علمای دیگر مذاهب اسلامی مکاتبه و مناظره داشت و با کمال احترام و ادب، به نقد دیدگاه‌های آن‌ها و دفاع از معارف مذهب اهل بیت(ع) می‌پرداخت.

■ اسارت شیخ به دست ازبکان

اما درباره ماجرای تلخ شهادت شیخ عبدالله شوشتری؛ میرزا عبدالله بن عیسی اصفهانی مشهور به میرزا عبدالله افندی، شرح حال‌نویس مشهور قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هجری قمری، در کتاب مشهور «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء»، ماجرای شهادت شیخ عبدالله شوشتری را به تفصیل شرح داده است که احتمالاً کامل‌ترین روایت در مورد این واقعه است. افندی می‌گوید: عبدالله‌خان ازبک، فرزندش عبدالمؤمن‌خان را برای تصرف نواحی هرات و مشهد به خراسان فرستاد. هجوم ازبکان معمولاً کمتر به اشغال این نواحی می‌انجامید و آن‌ها بیشتر مشغول غارت می‌شدند و با نزدیک شدن سپاه ایران فرار می‌کردند؛ اما این بار به دلیل ضعف حکومت مرکزی، نه تنها شهر را اشغال کردند، بلکه چند سال هم آن را جزو متصرفات خود نگه داشتند. عبدالمؤمن‌خان، چنان که پیشتر هم خدمتتان عرض کردم، در مشهد حمام خون به راه انداخت؛ درهای حرم مطهر را شکست و جمع زیادی از زائران و مجاوران را شهید کرد. در این گیر و دار، تعدادی از علما به دستور وی اسیر شدند که شیخ عبدالله شوشتری یکی از آن‌ها بود. از آنجا که ازبکان سعی می‌کردند چپاول و غارت خود را به اسم دعوا و جنگ مذهبی، موجه جلوه دهند، مانند داعشی های امروز، به سراغ بزرگان و علمای شیعه رفتند و یکی از آن‌ها به عبدالمؤمن‌خان گفت این شخص، یعنی شیخ عبدالله شوشتری، رئیس طایفه شیعه در مشهد است. عبدالمؤمن‌خان دستور داد شیخ را دست بسته به بخارا، مرکز حکومت ازبکان ببرند تا پدرش، عبدالله‌خان تکلیف او را روشن کند. این چنین بود که شیخ به اسارت درآمد و او را با توهین و خشونت زیاد به بخارا بردند.

■ شهادت مظلومانه

هدف ازبکان در واقع برپایی یک محفل بزرگ برای دامن زدن به اختلافات مذهبی بود. عبدالله‌خان تعدادی از علمای درباری خود را واداشت تا با شیخ به مناظره بپردازند و ثابت کنند وی از دین خارج است! آن وقت جواز قتل بدهند و عالم و مدرس آستانه را با فجیع‌ترین شکل ممکن از بین ببرند. اما اینجا یک مشکل بزرگ وجود داشت؛ اولاً هیچ کدام از علمای صاحب‌نام اهل سنت که مراتب علم و دانش وی را می‌دانستند و با او مباحثه و مکاتبه داشتند، حاضر به مناظره نبودند. ثانیاً علمای درباری اطراف عبدالله‌خان هم در حد و اندازه‌ای نبودند که بتوانند از پس این کار برآیند. این بود که به شیخ تهمت زدند و گفتند او حاضر به مناظره نشده است و از طرفی، حضورش در بخارا سبب گمراهی خلق می‌شود و به همین دلیل، حکم وی اعدام است!

این چنین شد که با فرمان عبدالله‌خان ازبک، شیخ عبدالله شوشتری را به میدان اصلی شهر بخارا آوردند و او را به شهادت رساندند. حقد و کینه علمای درباری نسبت به شیخ چنان بود که تنها به کشتن وی راضی نشدند و دستور دادند پیکر وی را بسوزانند و خاکستر آن را بر باد دهند. به این ترتیب، مدرس نامدار آستان قدس و عالم بزرگ جهان تشیع، در اسارت و غربت، شربت شهادت نوشید.